

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم وېر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناھید "غزل" غنی زاده

ویرجینیا - ۳۰ جولای ۲۰۱۷

تنظیم و ویرایش: AA-AA

دلگرفتگی

هر بار، که پنجره را به روی خورشید گشودم، هوا را بارانی دیدم، دیگر دلگرفتنیهای
من چون سایه دیوار در مرز غروب، از ذهن تو دور می شود.

غیابت

دیری ست سرگردانم، دیری ست تقویم هستی را گم کرده ام و نمی دانم چه دیری از
غیابت تو گذشت.

رزمگاه

با روان آشفته تر، با قلبی از همیشه زخمیتر، با گامهای ناچار، در وسعت ظلمانی هستی
پیش می روم.

حرفی برای گفتن دارم، سرودی برای شنیدن، اشکی برای فرو ریختن. دستانم از حس
گرم محبت در آتش است و گامهایم روی شیار روشن عزم در تلاش پیش رفتن.
به راهپیمائی در قله های بلند وفاء می اندیشم.

آه!

پرندۀ ذهن مرا به رزمگاه خونین جفاء بردند؛ نمی توانم به رخت گلاوزه بکارم، نمی توانم.

(ناھید "غزل" غنی زاده)